

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۱۹۶ تیر ماه ۱۳۹۵ - ژوئیه ۲۰۱۶

مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار اوضاع جهان بخش نخست ایران.

نئولیبرالیسم امپریالیسم و پیامدهای آن

امپریالیستها در عرصه سیاست تهاجمی اقتصادی خویش از بازار آزاد، که هرگز وجود ندارد، سخن می رانند و آنرا تبلیغ می کنند. در دوران انحصارات امپریالیستی که سرمایه و نوع تولید کالا، تعیین بهای کالاها، منابع اولیه، بازار فروش و قدرت سیاسی ممالک زیر سلطه همه و همه در دست انحصارات است، تکیه به بازار "آزاد" بیشتر برای خاک پاشیدن به چشم مردم است تا حمایت از رقابت "سالم" و "آزادانه" سرمایه داران. در دوران امپریالیسم انحصارات بر گورستان "رقابت آزاد" جان می گیرند و برای نابودی کامل آن با سرمایه های افسانه ای، به بازار پا می گذارند. آماج هجوم اقتصاد نئولیبرالی دولت است. آنها می خواهند با سیاست نظم زدائی مسئولیت دولتها را در اداره کشورها به جز نقش سرکوبگرانه آنها را به صفر برسانند و از دستگاه اداری در ممالک زیر سلطه یک ماشین سرکوب ایجاد کنند که مانع شوند حقوق کارگران و زحمتکشان به صورت یک حق قانونی تحقق یافته و تلاشی برای تحقق آن در عمل به وجود آید. سرمایه داران کلان انحصاری مخالف هر گونه حقوق برای کارگران هستند. آنها تلاش دارند تا تمام دستاوردهای طبقه کارگر را بعد از انقلاب کبیر اکتبر و پس از کاهش قدرت جنبش کارگری از بین ببرند. سیاست نظم زدائی به مفهوم سلب حقوق دموکراتیک و مطالباتی همه مردم و به ویژه زحمتکشان است. ... ادامه در صفحه ۲

بیاد محمد علی قهرمان جاویدان مردم و "کاکا سیاه" مورد نفرت امپریالیسم آمریکا



با درگذشت محمد علی، سه بار قهرمان بی همتای بوکس جهان در رشته سنگین وزن و یک بار قهرمان المپیک رم در سال ۱۹۶۰، مردم جهان تنها یک ورزشکار مشهور و بی نظیر را از دست نداده اند، مردی را از دست داده اند که حیثیت و افتخاراتش را در خارج از میدان بوکس کسب کرده بود. وی بر قهرمانان بزرگ بوکس جهان غلبه کرد و در دنیای ورزش مشهوریت به دست آورد، ولی وی قادر شد قلوب مردم جهان را در خارج از میدان بوکس تسخیر نماید. این مبارزه برضد ستامگران و امپریالیسم متجاوز آمریکا در حمایت از خلقهای جهان بیان فریاد اعتراض و خواست مردم جهان بود و هست که به محمد ... ادامه در صفحه ۳

مستخرج از مصوبات کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

پیام به زندانیان سیاسی ایران

پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) بهترین دروهای خویش را به شما عزیزان زندانی تقدیم می کند و از حقوق شما زندانیان سیاسی ایران حمایت به عمل می آورد. حقیقت وجود زندانی سیاسی در ایران، گویای مبارزه خستگی ناپذیر مردم ما به خاطر تحقق حقوق انسانی آنهاست. این امر در عین حال نشان می دهد که در کشور ما ایران، از حقوق دموکراتیک خبری نبوده و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، با سرکوب و خفقان به بقای خود ادامه می دهد. این رژیم در طی چند دهه قادر نبوده است مقاومت شما را با اعمال سرکوب، تهدید و شکنجه درهم شکند. پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی ایران است. این کنگره سرکوب و ایجاد خفقان نسبت به کارگران و اپوزیسیون ایران را محکوم می کند و از حقوق دموکراتیکشان حمایت به عمل می آورد. ... ادامه در صفحه ۴

مستخرج از اسناد کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

پیام دبیر کل کمیته همبستگی جهانی ضد امپریالیستی

۳۰ آوریل ۲۰۱۶
به حزب کار ایران (توفان)

رفقای عزیز!

پیام شما با تاخیر زیاد بدستمان رسید. احتمالاً در این زمان کار کنگره شما به پایان رسیده است. ما مطمئن هستیم که جلسات کنگره با موفقیت برگزار شده اند. ما به کمونیستها و انقلابیون ایران که در شرایط بسیار مشکل مبارزه می کنند درود می فرستیم. رژیم ارتجاعی و سرکوبگر ایران بر علیه نیروهای انقلابی که برای آزادی مردم کشورشان مبارزه می کنند با شقاوت و بی رحمی تمام عمل می کند. همزمان، نیروهای خارجی امپریالیستی تحریم های اقتصادی شکننده ای بر ایران که مردم فشار آنها بر دوش می کشند، تحمیل کرده اند. بنابراین، کمونیستها و انقلابیون و مردم ایران مجبورند که بر علیه دو دشمن، قدرتهای امپریالیستی خارجی و رژیم استبدادی داخلی، مبارزه کنند. انقلابیون باید بطور ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

نئولیبرالیسم امپریالیسم و پیامد...

تبلیغات آنها این است که "دولتها" سرمایه داران خوبی نیستند و تنها سرمایه داران به علت انگیزه مالکیت و کسب سود بیشتر است که از حیف و میل دارائی جلوگیری و استفاده بهینه از آنها عرضه می کنند.

فریب آنها زمانی روشنتر می شود که ما به رویدادهای زندگی مراجعه کنیم. سقوط بازارهای بورس، ورشکستگی همه بانکهای خصوصی، کیفیت نازل خدمات شرکتهای خصوصی شده نظیر پست، راه آهن و... نشان دادند که سرمایه های خصوصی برای حفظ سود خصوصی خود از چه نیروی تبهکارانه غیر قابل نظارتی برخوردارند. با تبلیغ سیاست خصوصی سازی تمام اموال عمومی، ثروتهای مردمی با قیمتهای نازل به سرمایه داران انحصاری خارجی در درجه اول فروخته می شود. آنها، جنگلها، زمینهای مزروعی، جاده ها، پست، راه آهن، ناوگان هوایی، حتی بخشی از خدمات امنیتی، ایمنی و انتظاماتی در اختیار شرکتهای خصوصی خدمات ایمنی قرار می گیرند. بخشی از ارتش به عنوان ارتش حرفه ای و یا زیر عنوان شرکتهای نظامی و امنیتی خصوصی که مزدوران، آدمکش بین المللی هستند عرضه می گردد و نظام وظیفه عمومی منحل می گردد. در ارتش حرفه ای خصوصی خارجی نیز می توانند سلاح حمل کنند.

در اثر این سیاست هوا، معادن، سواحل دریاها، جزایر، ساختمانهای بزرگ عمومی، مدارس، دانشگاهها، بهداشت و درمان، بیمه ها و... همه و همه به صورت مالکیت خصوصی در می آیند. مردم ممالک مفروض در کشور خودشان بیگانه هستند و به ثروتهای تولید شده توسط معادن و دریاها و جنگلها و... دسترسی نخواهند داشت. نیروی پلیس بومی و یا بین المللی مطالبات مردم در این زمینه ها را سرکوب خواهد کرد. سرمایه داران خصوصی بعد از غارت ممالک با به جای گذاردن زمین سوخته، خاک این کشورها را ترک می کنند بدون اینکه برای مردم این کشورها ثروتی تولید کرده باشند. مردم این کشورها همیشه به صورت بدهکار باقی می ماندند و دول دست نشانده این ممالک مراقبتهای لازم را فراهم می آورند تا افساط بدهکاری های مردم سر موعده پرداخت شود.

نئولیبرالیسم با برنامه خصوصی سازی ثروتهای عمومی که همان تشدید بهره کشی و استعمار بی شرمانه است، برخلاف ادعایش دموکراسی ایجاد نمی کند، بلکه بدترین نوع استبداد، غارت، سرکوب و وابستگی را در این جوامع به کار می گیرد. با این سیاست همه چیز به صورت کالا در می آید. حتی اعضای بدن را می شود در بازار آزاد سرمایه داری، "آزادانه" و "دموکراتیک" خرید و فروش کرد ولی در قانون اساسی برای فریب مردم ذکر نمود که حیثیت انسانی خدشه بردار نیست.

سیاست خصوصی سازی، مولد قساوت و تشدید نابرابری ثروت است و به شکاف

عمیقتر طبقاتی و فقر عمومی مردم منجر می شود. این سیاست دارای دو نقش و دو تاثیر در ممالک سرمایه داری پیشرفته غربی و در ممالک سرمایه داری زیر سلطه و یا وابسته از نظر اقتصادی است. در این سیاست اقتصادی، توزیع ثروت همواره بر اساس قدرت و نفوذ سرمایه صورت می گیرد. سرمایه داری هرگز برای رفاه عمومی و بهبود شرایط زندگی مردم دست به تولید نمی زند، بلکه در پی کسب سود حداکثر است. سازوکار سامان سرمایه داری چنین اجازه ای را اساسا نمی دهد که سرمایه دار معینی از قدرت رقابت خود در مقابل دشمن اقتصادی بخاطر دلسوزی برای مردم بکاهد و به فکر زندگی و رفاه عمومی مردم باشد. در ممالک امپریالیستی و سرمایه داری اردوگاه غرب، دولتهای معروف به "دولتهای رفاه" جای خود را به سرعت با دولتهای کارگزار بی نقاب انحصارات جایگزین کرده و دست سرمایه های کلان را در بلعیدن سرمایه های کوچک و غیر قابل رقابت باز می گذارند. بازارهای این کشورها به محل تاخت و تاز سرمایه داران کلان انحصاری بدل می شود که درجه بهره کشی از انسانها را تشدید می کنند. سرمایه داری کلان و انحصاری خارجی برای نفوذ در این کشورها و چیرگی بر بازارهای آنها خواهان نقض و نادیده گرفتن توافقنامه های جهانی ای می شوند که در کشور خودشان موجبات افزایش بهای کالاها را به دنبال داشته و از قدرت رقابت آنها در بازار "آزاد" می کاهد. سیاست آنها به مصداق "بعد از مرگ من چه دریا چه سراب" دنبال سود فوری کلان و حداکثر هستند. پیمانهای جهانی در مورد حفظ محیط زیست، حقوق کارگران، زنان، کارمندان در زمینه بیکاری، بیمه های درمانی، کمک هزینه ایام بارداری از تامین اجتماعی، کار کودکان، حق اعتصاب کارگران و کارمندان و... به زیر پا گذارده می شوند و دولت کارگزار، مسئول حفظ سود سرمایه داران کلان است و باید متعهد شود که برای سرمایه انحصاری طرف قرارداد، این سود را تامین کند. در این تاخت و تازها ممالک سرمایه داری کوچک به زانده ممالک سیاسی خویش را از دست می دهند. در ممالک تحت سلطه و وابسته از نظر اقتصادی که فاقد سرمایه های کلان و صنایع قابل رقابت هستند، خصوصی سازیهای سازمان تجارت جهانی تنها منجر به غارت این ممالک و تشدید استثمار زحمتکشان می گردد. دولت در این ممالک دیگر "منافع ملی کشور خودی" را در نظر نمی گیرد و بلکه حمایت از منافع ملی کشور سلطه گر را وظیفه خویش می داند و به عامل بومی مستقیم استعمار جهانی بدل می گردد. استعمار جهانی در این کشورها نفوذ کرده و بیابان برهوت باقی خواهد گذارد.

به همین جهت مقاومت مردم افزایش می یابد و دولتهای دست نشانده این مقاومت و اعتراضات را با سرکوب پاسخ می دهند.

برای تحقق سیاستهای نئولیبرالی باید به تعدیل ساختاری دست زد و تسلیم مکانیسم بازار شد. بر اساس این تئوری ورشکسته دولت باید از دخالت در امور اقتصاد دست برداشته و این عرصه را به گرگان سرمایه دار واگذارد. گویا این خود بازار کور و هرج و مرج تولید است که توازن اقتصادی را مستقر می سازد. نئولیبرالها با تئوری "بازار آزاد" که هیچوقت آزاد نبوده و همیشه تابع منافع قدرتهای جهانی بوده است، با هدف فتح بازارهای ملی دیگران هجوم می آورند. آنها "بازار آزاد" را برای دیگران موعظه می کنند، ولی دروازه بازارهای خود را به روی کالاهای رقیب می بندند و یا با توجه به سطح رشد صنایع و کیفیت کالاهایشان عملا آزادی رقابت در بازار آزاد را به حرف پوچ و عوامفریبانه ای بدل می سازند. نئولیبرالها با اقتصاد هدفمند و با نقشه دولتی بشدت مخالفند. آنها تبلیغ می کنند که باید از دادن یارانه و کمکهای مالی به طبقات کم درآمد که یک اقدام دولتی و دخالت دولت در تولید است و رقابت "آزاد" را از بین می برد، خودداری کرد تا به مصداق "به مرگ بگیر تا به تب راضی شود"، مردم در نهایت فقر و نیاز خود مجبور شوند به بدترین شرایط بهره کشی خارجی تن در دهند. ریاضت اقتصادی که آنها نظریه اش را تبلیغ می کنند به همین مفهوم است که به عموم مردم باید به قدری گرسنگی و تشنگی داد و از حداقل امکانات زندگی محرومشان کرد که حاضر شوند در بدترین شرایط بهره کشی ضد انسانی به هر کار و به هر خفتی تن در دهند تا سود سرمایه دار خارجی تامین گردد. "آزادی بازار" سرمایه امپریالیستی، آزادی بهره کشی بیرحمانه انسانها را به دنبال دارد. امپریالیسم از این نوع آزادی دفاع می کند. باید بهای بنزین و مواد سوخت لازم برای مصرف شهروندان و تولید را که با دخالت دولت تعیین می شود شناور کرد و در اختیار رقابت و عرضه و تقاضای بازار گذارد و از دادن یارانه به مواد سوخت آن خودداری ورزید، باید به تبلیغ روحیه فردگرایی و سودپرستی و خودپرستی در مقابل فرهنگ انسانی جمعی دست زد. باید هویت فردی را در مقابل هویت جمعی قرار داد، فرد را به جنگ جمع فرستاد و شرط تحول اجتماعی را موفقیتهای فردی جا زد. باید انسانها را به گرگ یکدیگر بدل کرد و این نظریه را در پوششی از تبلیغات "محسنات" منش فردی و آرمانهای فردگرایانه و "مهارتهای فردی" و "خدادادی" و استعدادهای "ذاتی" پوشاند و تبلیغ در مورد "فردگرایی" را به منزله امری مقدس که اسلحه ای برای مبارزه با مفاهیم ماهیتا طبقاتی اجتماعی است، به پیش کشید، باید کار جمعی و اجتماعی و احساس همسرنوشتی و انسانی را تقبیح کرد و آنرا نفی "آزادی فردی" و "گزینش" یک آقا بالا سر اجتماعی" که در همه موارد تصمیمات تحمیلی و اشتباه می گیرد قلمداد نمود. باید چماق... ادامه در صفحه ۳

نئولیبرالیسم امپریالیسم و پیامد...

"آزادی فردی" را در مقابل **همبستگی اجتماعی**، تقدیس "بازار آزاد" و مالکیت خصوصی را در مقابل انحلال ارزشهای جمعی و مالکیت جمعی و حتی در مقابل سیاست نظارت دولت با هدف برنامه ریزی در امر اقتصاد سرمایه داری قرار داد. باید تبلیغ کرد که "دست نامرئی" بازار، محرک اقتصاد بوده و توازن جهان را سامان می دهد و به نیروی دولت، اجتماع و نظارت آنها نیازی نیست. آنچه به آن نیاز است، آزاندی آزادانه و قدرت طلبی بی حد و مرز فردی است که برای همه جامعه "مفید" است.

نئولیبرالیسم دشمن دولتهای رفاه و الگوی سوسیال دموکراسی قبل از فروپاشی امپراتوری امپریالیستی شوروی بود. مارگارت تاچر نخست وزیر اسبق بریتانیا که مدافع سرسخت اقتصاد نئولیبرالی بود می گفت: "چیزی به عنوان جماعت وجود ندارد. جامعه تجمع مردان و زنان منفرد است و البته خانواده آنها".

نئولیبرالیسم، تجارب و آموزه های مبتنی بر دخالت دولت، جهت عقلانی و بهینه سازی روند اقتصاد سرمایه داری را، سد پویایی اقتصادی اجتماع جا می زد. البته نباید فراموش کرد که آنچه نئولیبرالها به صورت زبانی می گویند با نیت باطنی آنها مغایر است. آنها به دولت و نیروی متمرکز و سرکوبگر برای حفظ منافع اساسی و هستی خویش همیشه نیاز داشته و دارند. در هیچ کشور جهان که این نئولیبرالها دست بالا را دارند، شما شاهد حذف ارتش و قوای سرکوبگر دولتی نیستید و دقیقا با خلاف آن مواجهید. همین نئولیبرالها که "ضد دخالت دولت" و "برنامه ریزی دولتی" هستند، آنجا که به دخالت دولت نیاز باشد تا منافع اقتصادی و طبقاتی آنها را حفظ کند، فوراً مدافع حضور و نظارت دولت می شوند و رنگ عوض می کنند. در زمان بحران مالی جهانی و ورشکستگی بانکها، آنها دست به دامان دولتهای خودی برای نجات خویش شدند و این دولتها بودند که راهزنان از کیسه مردم بدون رضایت آنها به صورت دیکتاتورمنشانه سامان سرمایه داری مالی را موقتا نجات دادند. نظریه تکفیر دخالت دولت در امور اقتصاد، لالائی برای مردم آزاد است.

بیاد محمد علی...

علی محبوبیت داد و نامش را جاودانی نمود. در مورد وی گفتند که محمد علی وقتی به اوج ترقی و محبوبیت رسید و بر کرسی افتخار جلوس کرد، احترام همه انسانهایی را که از پائین به وی می نگریستند و برایش هلهله می کردند نگهداشت و با تحقیر از بالا به آنها نگاه نکرد. وی دوست انسانها باقی ماند. کمیته جهانی المپیک مجبور شد وی را که از

محبوبیت فوق العاده بر خوردار بود و هست در سال ۱۹۹۹ در آستانه قرن بیست یکم به عنوان ورزشکار قرن برگزیند.

محمد علی فرزند دوران مک کارتیسم، دوران تجاوزات امپریالیسم برای توسعه طلبی به کره، به ویتنام، به کامبوج، به لائوس، کودتای های جنایتکارانه در ایران، اندونزی، عراق، گواتمالا و...

وی فرزند دوران مبارزه مردم الجزایر، کنگو، ایران، مصر، فلسطین، ظفار، ویتنام بر ضد ارتجاع و امپریالیسم بود.

محمد علی فرزند دوران مبارزه سیاهان مسلمان، محصول مبارزه سیاهان رادیکال و ورزشکاران بنام آمریکا به نام ببرهای سیاه، و نتیجه جنبش مدنی و ضد نژادپرستی و ضد کولوس کلان حاکم در آمریکا بود.

محمد علی در ۱۹۶۴ تحت تاثیر جنبش مسلمانان آمریکا به رهبری مالکوم ایکس که از رهبران مسلمانان آمریکا و در مبارزه سیاسی رادیکال بود و برای حقوق مدنی سیاهپوستان مبارزه می کرد، مسلمان گردید و به جنبش "ملت مسلمان" پیوست. وی اعلام کرد که از این به بعد نام من محمد و نام خانوادگی من علی است، زیرا که نام سنتی من "کاسیوس کلی"، نامی است که برده داران سفید پوست به روی من گذارده اند. مالکوم ایکس رهبر این جنبش رادیکال را بعداً ترور کردند.

ایده این تغییر نام را محمد علی از مالکوم ایکس گرفته بود. مالکوم لیتل (به معنای کوچک) که در زندان به سر می برد و تازه مسلمان شده بود در سال ۱۹۵۲ از زندان آزاد شد. وی با تغییر نام خانوادگی اش از "لیتل" به "ایکس" نخستین مخالفت مدنی خود را با این لقب برده داران که نیاکان وی را "لیتل" کوچک با هدف تحقیر خطاب می کردند، بروز داد. از این به بعد مالکوم دیگر کوچک و حقیر نبود "ایکس" (مجهول، بی هویت) بود. مالکوم می گفت که نام خانوادگی اصلی نیاکانش سدها پیش هنگامی که نخستین سیاهان از آفریقا برای بردگی به آمریکا آورده شده بودند، از آنها گرفته شده و نام خانوادگی "لیتل" (به معنای کوچک و حقیر) نامی تحقیرآمیز بوده که احتمالا یکی از اربابان نیاکانش برای آنها برگزیده بود. وی با انتخاب نام خانوادگی "ایکس (X)" می خواهد به همگان نشان دهد که هویت سیاهان آمریکا توسط سفیدپوستان "اروده" شده و اکنون جامعه سیاهپوستان آمریکا باید برای احیای دوباره غرور از دست رفته اش متحد و یکپارچه شود.

محمد علی در ۱۹۶۷ از رفتن به جنگ تجاوزکارانه ویتنام امتناع کرد و به زندان افتاد. وی گفت "من هرگز مخالف ویت کنگ نیستم زیرا هیچ ویت کنگی تا به حال به من "کاکا سیاه" نگفته است".

وی در رد جنگ ویتنام بارها سخنرانی کرد و این در زمانی بود که طبقه حاکمه آمریکا و رهبران دروغگوی آن مدعی بودند دخالت آنها

در جنگ ویتنام برای دفاع از "دنیای آزاد" و حمایت از "دموکراسی و آزادی" است. وی بر این همه دروغ و دغلکاری که همه مطبوعات "جهان آزاد" آنها تبلیغ می کردند، قلم بطلان کشید و مورد نفرت نژادپرستان و طبقه حاکمه آمریکا قرار گرفت. وی گفت "من ۱۰ هزار مایل به دور دست نمی روم تا بر سر مردمان بی گناهی که رنگ پوستشان برنزه است بمب و گلوله بریزم. آنها کاری بر ضد من نکرده اند".

وی این سخنان را به درستی و از صمیم قلب بیان می کرد. وقتی وی در سال ۱۹۶۰ قهرمان بوکس المپیک در رم شد و برای آمریکا یک مدال طلا در این رشته به دست آورد، به آمریکا برگشت و برای صرف غذا در شهر محل تولدش لونیویویل به یک رستوران رفت، سفید پوستان نژادپرست حاضر نشدند در کشور "دمکراتیک" آمریکا به وی که یک سیاه بود غذا بدهند. وی جسورانه برخاست و مدال طلایش را که برای آمریکا کسب کرده بود به رودخانه اوهایو پرتاب کرد.

روشن است که محمد علی هم مانند بسیاری در دنیای سرمایه داری طالب شهرت، ثروت و معروفیت بود، ولی به چه بهائی؟ به بهای حقارت؟ به بهای نوکری امپریالیسم؟ به بهای پذیرش بردگی؟ به بهای تائید نژادپرستی و تئوری انسانهای برتر؟

وی هرگز هویت خویش را فراموش نکرد و به منشاء خود افتخار می کرد. وقتی از وی نظرش را در باره بازی بوکس پرسیدند بیان کرد "بوکس بازی به معنی این است که سفیدان به تماشا می آید دو نفر سیاه نشسته اند که همدیگر را کتک می زنند". وی می دانست که می شود از بوکس بازی پولدار و محبوب شد، ولی هرگز فراموش نمی کرد که ماهیت بوکس بازی چیست و می شود در میدان بوکس جان داد و پپروز نشد. وی می دانست که بوکس یک قمار است و آنها برای حفظ بقاء سیاهپوستان فقیر. وی می گفت: "من برای هر ضربه ای که خورده ام میلیونها دلار به کف آورده ام، اما می دانید چند نفر سیاه را کشته اند و پشیزی به دست نیآورده اند؟"

محمد علی باید بهای این "زبان درازی" هایش را در "دنیای آزاد" آمریکا که همه سفیدان طبقه حاکمه از حق آزادی بیان برخوردارند می پرداخت. طبقه حاکمه آمریکا تصمیم گرفت وی را به علت صلح جوئی و انساندوستی به زندان بیاورد.

محمد علی همیشه مورد نفرت "دموکراسی" آمریکا بود. به همین جهت در اوج محبوبیت و موفقیت، وی را مجبور کردند که به خدمت سربازی رفته و به ویتنام اعزام شود. برای امپریالیسم آمریکا جنازه محمد علی بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت تا زنده وی. وی هرگز حاضر نشد بار این خفت آدمکشی را بپذیرد. امپریالیسم آمریکا که منتظر این اتفاق بود فوراً عنوانهای قهرمانی جهان را از

...ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

بیاد محمد علی...

وی گرفت و آنها را بی اعتبار اعلام کرد. البته این بی اعتباری شامل محمد علی نبود، این بی اعتباری شامل دستگاه ورزشی و تبلیغاتی و مناسبات بهره کشانه آمریکا بود. محمد علی قهرمان جهان ماند و هیچ قهرمانی نمی توانست بدون مصاف با محمد علی مدعی مقام نخست در ورزش بوکس سنگین وزن در جهان باشد. این بی اعتباری دامن امپریالیسم را گرفت که مدالهایش را سیاسی و برای به برده کشیدن افراد و فریب افکار عمومی تقسیم می کند. ولی امپریالیسم آمریکا هرگز قادر نشد مدالی را که مردم جهان به محمد علی دادند پس بگیرد. وی در جهان بر سکوی افتخار اعتماد مردم ایستاده بود و ایستاده باقی ماند.

پلیس آمریکا به همین علت محمد علی را بازداشت کرد و عناوین قهرمانی اش هم از او سلب شد. محمد علی که به اتهام "فرار از خدمت" گناهکار شناخته شده بود، چند سالی از مبارزه در میدانهای بوکس دور ماند، دستگاه قضائی آمریکا برای خرد کردن و نابودی و واداشتن وی به تسلیم، امتیازنامه بوکس بازی وی را سلب کرد تا در هیچ جای آمریکا حتی نتواند بوکس بازی کند و برای تامین معاشش فعال باشد. گذرنامه وی را ضبط کردند تا نتواند با سفر به خارج از آمریکا در سایر ممالک جهان که نیاز به اعتبارنامه بوکس بازی آمریکا را ندارند، برای تامین زندگی و مقابله با مدعیان قهرمانی بوکس در جهان برزمد. ولی محمد علی تسلیم نشد و جنگید و دستگاه قضائی طبقاتی آمریکا را با حمایت افکار عمومی مردم جهان به تسلیم واداشت. جنایات آمریکا در ویتنام بقدری وحشیانه و سبعانه بود که جز نفرت و ننگ چیزی برای آنها ببار نیآورد و سرانجام ناچار به تسلیم شدند. آنوقت مسخره بود که محمد علی را به علت پیشگویی درستش مجازات کنند. دیگر نمی شد افکار عمومی را فریب داد. چند سال این محرومیت ادامه داشت تا این که بالاخره اعتراض او به حکم قاضی، در آغاز دهه ۷۰ میلادی به دادگاه عالی آمریکا ارجاع داده شد و این دادگاه که عالیترین مرجع قضایی در آمریکاست، محکومیت محمد علی را لغو کرد. وی با وجود این که در مدت سه سالی که اجازه مشت زنی نداشت در میدانهای مشت زنی حضور نداشت، ولی در میدانهای مبارزه اجتماعی حضور فعال داشت و چون به گرسنگی و فشار "عادت" کرده بود، دیوان داوری طبقاتی آمریکا قادر نشد اراده اش را بشکند: "من به خاطر محبوبیت یا به دلایل شخصی مبارزه نمی کنم. من می جنگم که به برادرانم که در آمریکا روی زمین خوابیده اند، روحیه بدهم، سیاهانی که با کمک های دولتی زنده اند، سیاهانی که چیزی برای خوردن ندارند، سیاهانی که چیزی از خود نمی دانند و سیاهانی که آینده ای ندارند." "آیا شما می خواهید مرا به زندان بیاورید؟"

خوب می دانم، ما ۴۰۰ سال است که در زندانیم. من با کمال میل ۴ تا ۵ سال بیشتری را نیز در آنجا خواهم ماند، ولی من ۱۰ هزار مایل پرواز نخواهم کرد تا آدم بکشم و در کشتن مردم بیچاره کمک کنم. اگر باید بمیرم ترجیح می دهم، اینجا در مبارزه علیه شما بمیرم! آنها دشمنان من نیستند، نه چینی ها، نه ویت کنگ، نه ژاپنی ها. لیکن شما وقتی من طلب آزادی و صلح می کنم، مخالف من هستید. شما لیکن مخالف من هستید زمانی که من طالب عدالت و تساوی هستم. حال من باید برای شما بجنگم؟ به چه دلیل؟ شما حتی در آمریکا نیز برای حقوق من مبارزه نمی کنید؟ حال از من می خواهید که برای شما بجنگم؟ هرگز!!"

محمد علی مبارزی بود که تنها در میدان بوکس نمی جنگید. وی در خارج از این میدان نیز برای حقوق مردم و رفع ستم نژادی و ملی مبارزه می کرد. چنین انسانی را با این روحیه و درک هرگز نمی شود شکست.

طبقه حاکم آمریکا که ناچار شده بود در مقابل جنبش مدنی سیاهان عقب نشینی کند و حتی با کشتن مارتین لوتر کینگ نیز موفق نشده بود این جنبش را سرکوب نماید روش سیاسی خویش را تغییر داد. آنها تصمیم گرفتند که از محمد علی به قول لنین یک "تندیس بی ضرر" بسازند و مجسمه وی را تقدیس کنند و افکارش را به دور بریزند. کاخ سفید (خوانید-وال استرییت) در سال ۲۰۰۵ وقتی دیگر راهی برایش نمانده بود و می خواست او بامای "کاکاسیاه" را رئیس جمهور کند، برای تکمیل عوامفریبی، بالاترین مدال افتخار را به او اهداء کرد. انگار که کاخ سفید ربطی به همه سیاهکاری های نظام امپریالیستی آمریکا ندارد. پس از درگذشت وی نیز این عوامفریبی و سیاهکاری و این بار به دست سیاهانی که در طبقه حاکمه آمریکا جا باز کرده اند، ادامه داده شد. از وی به علت شاهرکار ورزشی اش که تکرار آن از "محالات" است، تجلیل کردند، به دست یک بیمار پارکینسونی که می لرزید ولی استوار باقی مانده بود، مشعل آتش افروزی المپیک را دادند تا اثرش را خنثی کنند، ولی هرگز قادر نیستند تاثیرات آتشی را که وی برافروخت و ضربه هولناکی که وی در داخل و خارج میدان بوکس به نژادپرستی و تحقیر انسانها و دشمنی با دوستی خلقها وارد آورد خاموش کنند و از بین ببرند. محمد علی دین اسلام را پذیرفت و تا آخر نیز مسلمان باقی ماند. این امر نه از آن جهت دارای اهمیت است که دین اسلام و یا هر دین دیگری برحق است، بلکه از این جهت اهمیت دارد که وی در زمانی که مبارزه بر ضد نژادپرستان و نیروهای سیاه ارتجاعی ادامه می داد، که جنبش ضد ملت های مسلمان و مسلمانان، با مسلمان کشی و تحریکات ضد اسلامی توسط سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی میدان پیدا

کرده است، تا ممالک مسلمان را به زیر سلطه امپریالیستها در آورند و بر سر این اقدامهای تجاوزکارانه تاج "تمدن" بگذارند و مبارزه بیرحمانه طبقاتی را با ژینگولوه های سیاسی یعنی مبارزه میان "سنت و تمدن" جایگزین گردانند. محمد علی هرگز تسلیم این عوامفریبان خودفروخته نشد. وی مسلمان شد و مسلمان ماند برای اینکه آنرا وسیله مبارزه علیه امپریالیسم و نژادپرستی قرار داد. برخورد وی به مذهب صرفا با مضمون سیاسی بود. وی داعش را با حماس یکی نمی کرد و در سطح باقی نمی ماند. همدستان امپریالیستها و نژادپرستان وی را ارتجاعی جا می زدند، زیرا وی مسلمان شده و مانده است و هوادار "اسلام سیاسی" بوده است. این عده در همه جهان سخنگویان صهیونیسم هستند.

پیام دبیر کل...

صحیح به تضاد بین این دو نیرو برخورد کنند. ما اطمینان داریم که کنگره شما بر روی صف آرائی نیروهای در صحنه بحث کرده و خط صحیح تاکتیکی و راهبردی برای پیشروی بسوی انقلاب و رهائی مردم ایران را ترسیم نموده است. به همراه همه آزادیخواهان جهان، با روحیه انترناسیونالیسم پرولتری، تشکیلات ما و مردم هندوستان همبستگی خود را با مبارزات رفقای ایرانی اعلام می دارد.

زنده باد انقلاب!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

زنده باد اتحاد بین مردم هندوستان و ایران!

مونیخ موخرجی - دبیرکل کمیته همبستگی جهانی ضد امپریالیستی

معاون رئیس فوروم سراسری

ضدامپریالیستی هندوستان

بانک جهانی WB ...

پرداخت بهره وامهای گذشته به بانک جهانی مراجعه می کنند، شرایط غارتگرانه ای را به آنها تحمیل می کند تا در و دروازه کشور خود را بر روی سرمایه های غارتگر خارجی بگشایند و به اوامر بانک جهانی تن در دهند. بانک جهانی یکی از اهرمهای اقتصادی غارت و قدرت امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکاست.

بانک جهانی مامور کنسرنهای جهانی است و هدفش این است که در ممالک بدهکار که قربانی این بانک هستند، نخست با وام دادن با بهره های کلان، به بنای صنایع زیرساختی پرداخته و تمام زمینه های لازم را برای تامین سود سرمایه گذاران خارجی که به این صنایع زیرساختی نیاز دارند، ... ادامه در صفحه ۵

انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

بانک جهانی WB ...

فراهم آورد؛ تا آنها بتوانند با سرمایه گذاری در عرصه های سودآور برای خود آنها، از زیرساختهای اقتصادی این کشورها که هزینه اش را خود این کشورهای بدهکار می پردازند، بهره برداری کنند. از جمله ساختمان بنادر، فرودگاه ها و یا جاده ها تنها برای ورود ماشین آلات صنعتی و صدور کالاهای تولید شده با دستمزد ارزان به بازارهای جهانی برای رقابت بیشتر و بهتر کنسرنهاست. تولید این کالاها در بدترین و ناامن ترین شرایط بهداشتی و محیط زیستی و ایمنی که موجبات ارزانی کالا را فراهم می آورد، انجام می پذیرد. بانک جهانی مأموریت دارد که این شرایط را نه برای کمک به مردمان این کشورها، بلکه برای کمک به سهامداران خود که کشورهای امپریالیستی هستند و از در عقب بانک جهانی به کشورهای نیازمند وارد می شوند، فراهم آورد. بانک جهانی دزدی است که با چراغ آمده تا "گزیده تر برد کالا". بانک جهانی نه تنها زندگی مردمان ساکن مناطق مورد هجوم خود را ویران می کند، سهل است، زمینهای آنها را غصب کرده، آنها را برای مقاومتشان به قتل رسانده و تار و مار می نماید. هرآنچه که نمی شود در اثر مقاومت مردم غرب، در غرب تولید کرد چون تولیدش برای سلامت عمومی خطرناک است، این بانک در ممالک مدعی کمک به آنها با استفاده از ناآگاهی عمومی و رشوه خواری حکومتی، تولید کرده و خود به اروپا و جهان صادر می کند. به این ترتیب بانک جهانی که به بزرگترین بستانکار جهانی بدل شده است با یکی از اهرمهای استعماری امپریالیستی است.

نا گفته نماند که بانک جهانی با وجود ملزم بودن به رعایت بی طرفی سیاسی و اقتصادی که بر روی صفحه ی صبور کاغذ درج شده است، عملاً در امور سیاسی کشورهای آماج تهاجمش مداخله آشکار و شریانه می نماید. این بانک در واقع در خدمت اهداف سیاسی سهامداران کلان خویش است و به آنها اعلام وفاداری کرده است. امپریالیسم آمریکا که خود بزرگترین سهام دار بانک جهانی است، از حق رای خود جهت عدم پرداخت وام به کشورهایی که از نظر سیاسی با آنها در تعارض است و همچنین اعطای وام به طرفداران خود استفاده می نماید. از قدیم گفته اند که چاقو دسته خودش را نمی برد.

ثروت بر شانه های فقر...

حجم خود می افزایش دهد. یکی از عواقب مخرب جهانی شدن سرمایه عبارت است از تنزل دستمزدها به حداقل ممکن. به دیگر سخن سرمایه اگر قادر نباشد دستمزدها را در همه زمینه ها در کشور مادر تقلیل دهد، به کشورهای سرازیر می شود که رهبران سیاسی فاسد و خودفروش آنها چنین

امکانی را حتی با زور سر نیزه در اختیار آنها قرار می دهند. از جمله کشورهای آسیایی نظیر بنگلادش و سریلانکا و ... کشورهای افریقائی نظیر سنگال و مالی و .. یا در آمریکای لاتین نظیر گواتمالا و کستاریکا و ...

از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۵ در آفریقا تعداد انسانهایی که در فقر کامل (زیر یک دلار در روز) به سر می برند ۷۸ میلیون افزایش نشان می دهد. در جنوب آسیا ۴۸ میلیون در کشورهای بلوک شرق ۲۱ میلیون و در آمریکای لاتین به ۱۸ میلیون افزایش یافته است.

از طرفی درآمد سرانه کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) یا **Organisation for Economic Cooperation and Development** در همین مدت ۲۱۹ هزار دلار بوده است در صورتی که در کشورهای فقیر درآمد سرانه فقط یک درصد از رقم فوق را دربرداشته است. نسبت رفاه در کشورهای غنی و فقیر نه تنها قابل قیاس نیست بلکه شرم آور است.

علت در کجاست؟

می دانیم که کشورهای فقیر اغلب به خاطر داشتن مواد خام گونه گون و یا حاصل خیز بودن زمین های زراعی شان و نیز بازار فروش آنها، از گذشته لقمه چربی برای استعمار کهنه و نو بوده و هستند. اینگونه کشورها به علت بافت اقتصادی و سیاسی تحمیلی کشورهای غنی، اغلب دارای حکومت های دیکتاتوری اند که منهای چند حکومت نظیر سوریه، عراق و لیبی سابق و ایران اکثراً به ساز سیاست های کشورهای امپریالیستی، بویژه آمریکا می رقصدند.

گرچه این حکومتهای زیر سلطه، دیکتاتوری مطلق را در کشور اعمال می کنند، علیرغم این مورد پشتیبانی امپریالیست ها قرار می گیرند. مثنی دزد و غارتگر در راس این حکومت ها به عوض بکاربست سرمایه های ملی، که از قبیل فروش زیرزمینی به دست می آورند در زمینه های تولید، رشد زیربنا، بهداشت، آموزش و ... آن را غارت کرده و در راه امیال پلید شخصی خود به کار می بندند.

بسیاری از این حکومت ها با اجرای فرامین اربابان نئولیبرالشان اقدام به خصوصی سازی موسسات دولتی نموده و با افزایش مالیات، کاهش دستمزدها از میان برداشتن تعرفه های گمرکی برای واردات از کشورهای امپریالیستی و ایجاد زمینه و امکانات مناسب برای سرمایه گذاران خارجی نظیر تقلیل مالیات، گذاردن زمین مجانی و ... در اختیار آنها، کشور را محل تاخت و تاز غارتگران بین المللی می سازند که نتیجه ای جز گسترش بیکاری فقر و گرسنگی در میان مردم به بار نمی آورد.

افزایش نابرابری های اجتماعی در جهان که زاینده سیاست های استعمار کهنه و نو است، نه تنها عرق شرم بر پیشانی آنها نمی نشاند، بلکه

بانک جهانی، این ابزار نئولیبرالها، در گزارش رشد اقتصادی سال ۲۰۰۰ اعلام می دارد که: "به افزایش نابرابری نباید به صورت منفی نگریست. تعیین کننده این است که بتوان از تعداد افراد فقیر کاست (که نه تنها نمی کاهشد بلکه پیوسته بر آن می افزایشد-توفان). نه اینکه علیه نابرابری اقتصادی مبارزه شود. زیرا وجود این نابرابری باعث می شود که انسان ها در کشورهای گوناگون برای بهبود وضع خود بیشتر جدیت و کوشش کنند!!" باید از این دورویان فریبکار پرسید: آیا اعمال سیاست های مخرب و جابرانه نئولیبرالی از طریق عوامل تحت فرمان شما و سرمایه جابر بین المللی برای کسی امکان "کوشش" و "جدیت" جهت بهبود وضع خویش باقی می گذارد؟ یا این که هر روز بیش از روز قبل جهان را دو قطبی می سازند. به موازات دو قطبی شدن درآمدها در جهان، تولید ناخالص ملی نیز هر روز بیشتر دو قطبی می شود. در یک قطب، بخش اعظم جهان قرار دارد که تولید ناخالص سرانه ملی شان ۱۵۰۰ دلار است و در قطب دیگر این رقم به ۱۲۹ هزار دلار می رسد. در قطب

فقیر کشورهای افریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین قرار دارند و در بخش غنی کشورهای OECD. امروز قطبی شدن درآمدها و افزایش نابرابری ها مشخصه بارز جوامع جهانی اند. ادامه این وضع بدون شک شرایط بحرانی و تضادهای سیستم سرمایه داری جهانی را رشد می دهد. هرچه جهانی شدن سرمایه (گلوبالیزاسیون) وحشیانه تر و بیرحمانه تر عمل می کند، به همان نسبت نیز بر مخالفت و مقاومت مردم جهان بویژه اقشار فقیر با آن افزوده می گردد. جنبش های ضد نئولیبرالی در یونان، اسپانیا، ونزوئلا، آرژانتین، سنگال و ... نمونه های آغازین این جنبش وسیع بشمار می آیند. شعار آنها برابری اجتماعی در اقتصاد جهانی است. زیرا که امروز در جهان ۱/۲ میلیارد انسان در فقر کامل به سر می برند. لازم به تذکر است که فقر کامل شامل کسانی می شود که روزانه حداکثر یک دلار (با توجه به قدرت خرید محلی) در اختیار دارند. امروز نیمی از جمعیت قریب به ۴۰ کشور در جهان در فقر کامل به سر می برند. بانک جهانی مرز فقر مفرط را ۳۷۰ دلار برای هر نفر در سال تعیین کرده است. بنابر این افرادی در فقر مفرط به سر می برند که روزانه یک دلار و حتی کمتر در اختیار دارند. پیامد این فقر چیزی نیست جز گرسنگی، کمبود حاد مواد غذایی مورد نیاز بدن، کمبود آب آشامیدنی و در نتیجه گسترش بیماری های واگیردار (اپیدمی)، عدم برخورداری از بهداشت و سلامتی و در نتیجه پایین آمدن فاحش حد متوسط عمر افراد، مرگ و میر کودکان و نوزادان، فقدان امکان تحصیل و کار، عدم امکان بهره برداری از یک سرپناه، رواج کارتن خوابی در شهرها، ژنده پوشی، گسترش... ادامه در صفحه ۶

**تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند.
صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است**

ثروت بر شانه های فقر...

موج آوارگی و ...

افرادی که در شرایط غیر انسانی نامبرده روز را به شام می رسانند برخلاف وانمود ساختن رسانه های غربی تنها در مناطق جنگ زده و یا حاشیه نشینان شهرهای بزرگ که از زباله و با زباله زندگی می کنند و یا کارتن خواب های شهری و یا انسانهایی که در اثر فاجعه های طبیعی از هستی ساقط شده اند نمی باشند، بلکه اکثر آنها در روستاهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین مشغول زندگی محقرانه هستند.

علت را باید در کجا جستجو کرد؟

ایا غیر از این است که زمین های مزروعی را شرکت های کشاورزی بزرگ داخلی و به طور عمده خارجی تصاحب کرده و تنها محصولاتی را که حداکثر سود را در بازار جهانی نصیب آنها سازد در آنها کشت می کنند؟ نمونه های وافر از این شرکت ها در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در روستاهایی که فقر مطلق در آنها پدید می کند، علنا مشغول غارت و چپاول اند.

عمده ساکنین این روستاها در اثر تقسیم ناعادلانه زمین، امکان درآمد خود را از دست داده اند و عملا هیچگونه امکان فعالیت در سایر زمینه های اقتصادی را ندارند. زیرا به علت عدم برخورداری از اعتبار لازم بانک ها هیچگونه وامی به آنها نمی دهند. علاوه بر این وجود شرایط فئودالی حاکم در کشاورزی در برخی از کشورهای آمریکای لاتین و با وجود "کاست" در هند و برخی کشورهای دیگر دلیل مضاعفی برای گسترش و تحکیم فقر در قرن بیست و یکم بشمار می آید.

یکی دیگر از علل فقر بورس بازی سرمایه داران هار با مواد غذایی به ویژه غلات و ذرت است که باعث رشد سرسام آور قیمت آنها در جهان می گردد که حزب ما در گذشته در مقالاتی به این مساله اشاره کرده است. کشورهای غنی- آمریکا واتحادیه اروپا- برخلاف ادعاهای پرطمطراق دستگاه های تبلیغاتی شان نه تنها دوی درد فقر مزمن در کشورهای فقیر نیستند، بلکه برعکس با اقداماتی نظیر وضع تعرفه های گمرکی، جلوی ورود کالاهای این کشورها را- که قاعدتا تنها کالای صادراتی آنها می باشد- به کشور خود می گیرند. در مقابل مواد غذایی را که با یارانه های دولتی در کشور خود تولید کرده اند را به این کشورها صادر می کنند. از آنجا که محصولات کشورهای فقیر که بدون یارانه تولید شده اند، قدرت رقابت با محصولات وارداتی را ندارند، تولیدکنندگان به ورطه ورشکستگی سقوط کرده و به خیل بیکاران و فقرا می پیوندند. تاثیر سوء فقر تنها در روستا ها نمی ماند، بلکه به علت مهاجرت روستائیان به شهرها روزبروز بر تعداد بیکاران و بیخانمانها در شهرها افزوده می گردد و فقر و گرسنگی و فساد و فحشاء گسترش می یابد. وجود چنین وضعی که امید و آرزو برای زندگی بهتر در کشورهای فقیر را از مردم



سلب کرده است نمی تواند مهاجرت به کشورهای پیشرفته را سبب نگردد. امری که امروز به معضل لاینحل کشورهای غنی تبدیل گشته است. دلایل فقر و فاجعه انسانی موجود در آفریقا را می بایست در میراث برده داری استعمار کهنه(کلونیالیسم) و نیز غارت همه جانبه استعمار نو(نئوکلونیالیسم) جستجو کرد. طبیعتا حکومت های جابر فاسد و وابسته به بیگانه نشسته بر مسند قدرت کشورهای این قاره، که جز به پر کردن جیب خود آنها به قیمت توسعه فقر و گرسنگی و بیماری، حتی به قیمت خون مردم کشور خود به چیز دیگری نمی اندیشند، نیز در بوجود آوردن این فاجعه عظیم سهیم اند.

امروز حداکثر متوسط سن در قاره آفریقا به ۴۷ سال رسیده است که ۲۲ سال کمتر از شرق آسیا و ۳۱ سال کمتر از کشورهای پیشرفته است. بیماریهای مهلک و لاعلاجی که به مرگ زودرس منتهی می گردد خود یکی از ترمزهای پیشرفت اقتصادی بشمار می آیند. به عنوان نمونه گرچه امروز مالاریا از بیماریهای علاج پذیر به شمار می آید این بیماری در کل آفریقا "تروپیک"(مناطق مرطوب گرمسیری حاره ای)(به غیر از ۵ کشور آفریقای شمالی و کشور آفریقای جنوبی) سالانه بیش از ۳ میلیون نفر به ویژه کودکان را به کام مرگ می کشاند. زیرا فقر موجود مانع از آن است که از شیوع این بیماری جلوگیری کند و یا حتی قادر به درمان آن باشد.

Die Gesellschaft für Technische Zusammenarbeit (GTZ) "اژانس همکاری مشترک فنی" معتقد است که "تنها ۱۰٪ از فقر موجود در جهان ناشی از جنگ و فاجعه های طبیعی است. ۹۰٪ بقیه ناشی از مشکلات سیستم اقتصادی(بخوان سرمایه داری)، اولویت های غلط برخی از حکومت ها(بخوان دزدی ها)، بدهیهای سرسام آور این دولتها(بخوان غارت بانکهای کشورهای امپریالیستی)، تاثیرات منفی اقتصادی و مالی ناشی از جهانی شدن سرمایه(گلوبالیزاسیون)، فساد دولت ها، تغییرات جوی در اثر آلودگی محیط زیست و .. است" به یک کلام در درجه نخست زابیده کل نظام سرمایه داری جهانی، و

در رابطه با آن، نظام سیاسی فاسد حاکم در کشورهای فقیر است.

بد نیست که در رابطه با سیاست مزورانه امپریالیست ها که قبلا به آن اشاره کردیم این نکته را نیز اضافه کنیم که مقدار یارانه ای که غرب(آمریکا واتحادیه اروپا) به کشاورزان خود، که عمدتا شرکت های بزرگ کشاورزی هستند، می پردازد ۷ برابر مقدار به اصطلاح "کمک های توسعه" ای است که آنها برای کشورهای آفریقایی در نظر گرفته اند. ناگفته پیداست که "کمک های توسعه" نیز اسما کمک است، اما در عمل این کمک ها "جاده صاف کن" امپریالیسم در راه غارت این کشورها به شمار می آیند. زیرا این کمک ها یا صرف هزینه های نظامی می شوند و یا همانند یخی در دست حکام جابر و وابسته به امپریالیسم آب می گردند. آری این کمک ها جاده را صاف می کنند تا شرکت های کشاورزی بزرگ آمریکایی و اروپایی به تولید محصولات cash crops(تولید انبوه محصولات کشاورزی نظیر قهوه، کاکائو، موز و پنبه که صرفا برای صادرات به کشورهای غنی در نظر گرفته شده اند) به پردازند و از این طریق نه تنها به غارت کشورهای آفریقایی و استثمار وحشیانه زحمتکشان جامه عمل پوشند، بلکه با تولید ممتد تک محصولی، مخاطرات جدی برای کل کشاورزی این کشورها نیز ایجاد کنند.

بانک جهانی خود به نمونه دیگری اشاره دارد. در اثر تحقیقاتی که از طرف بانک جهانی صورت پذیرفته است، یکی از دلایل گسترش گرسنگی در جهان مساله تولید بنزین "بیولوژی"(دانه های گیاهی) است. در حال حاضر نزاع بین کارتل های نفتی و سوپر مارکت های زنجیره ای در گرفته است. اتحادیه اروپا به خاطر ۱۰٪ از بنزینی که از ایتانول تولید می شود تا ۹۰٪ بنزینی که از نفت مشتق می گردد مخلوط گردد، ۹۵٪ از ذرت مورد نیاز برای تولید ایتانول را از سایر کشورها وارد می کند. در این حالت طبیعی است که به همین مقدار از حجم مواد غذایی مورد نیاز گرسنگان جهان کاسته می شود.

برای نمونه از ۳۰۰ کیلوگرم غله می توان دوبار باک بنزین یک اتوموبیل را پر کرد. در صورتی که با همین مقدار غله می توان آذوقه یک نفر را در سال تأمین کرد. تمام هم و غم اربابان جدید غرب که بر مزارع وسیع کشاورزی چنگ انداخته اند این است که هر روز بر وسعت مزارع تحت نفوذ خویش بیافزایند. این اربابان با کمک حکومت های فاسد و خود فروخته محلی دست ساز خود و با زور سر نیزه، زارعین را از زمین های خود می رانند و عملا آنها را به کام بیگاری، فقر، گرسنگی و مرگ فرو می برند. مضافا اینکه امپریالیستها با اتخاذ چنین روشی اقتصاد این کشورها را وابسته به تولید این محصولات و صادرات آن به کشور

...ادامه در صفحه ۷

پاشی شده با سموم خطرناک را تحت نام محصولات "بایولوژی" در سوپرمارکت های آلمان البته با قیمتی گران تر به خورد مشتریان از همه جا بیخبر می دهند!! . در واقع این شرکت ها "هم از توبره می خورند و هم از آخور".

خانم Franziska Humberg در این گزارش با صراحت ذکر می کند که "سوپرمارکت های آلمان حق ندارند به قیمت جان انسانها و نابودی طبیعت تنها به فکر منافع و سودهای کلان خود باشند" (منبع روزنامه Tagesspiegel برلن ۳۱/۵/۲۰۱۶) اما کو گوش شنوا! چنین روش و شیوه ای جزو ذات و جداناپذیر سرمایه داری امپریالیستی است. "ترک عادت موجب مرض است" و این وظیفه همه انسانهای فعال در عرصه های مبارزه برای حفظ محیط زیست و تحقق حقوق بشر و... است که به این عادت خاتمه دهند و روشن سازند که تحقق این خواسته های انسانی که برای بقاء بشریت ضروری است تنها با نابودی نظام سرمایه داری ممکن است.



و یا حتی با حضور زارعین بر روی مزرعه انجام می شود. در هر دو کشور یاد شده زارعین و خانواده هایشان که در اطراف این مزارع سکنی دارند از رقم بالای معلولین، سقط جنین، بیماریهای سرطانی، حالت تهوع، سرگیجه و آلرژی های ناشناخته رنج می برند.

خانم Franziska Humberg در عین حال اشاره می کند که در اثر سرکوب سندیکاهای صنعت موز، حقوق زارعین و کارگران در سطحی بسیار نازل قرار دارد. به قسمی که کفاف مخارج روزمره کارگران و خانواده هایشان را نمی دهد. علاوه بر این کارگران هیچگونه قراردادی در دست ندارند. از اینرو ساعات کار آنها بسیار زیاد است و کارفرمایان حتی زنان باردار را خودسرانه اخراج می کنند. مضحک اینجاست که فروشگاه های مواد غذایی زنجیره ای یاد شده در بالا، محصولات بدست آمده از مزارع سم

ثروت بر شانه های فقر...
 های خود می سازند که این امر عواقب بس خطرناکی برای استقلال این کشورها به همراه دارد. اخیرا Oxfam گزارشی را که خانم فرانسیسکا هومبرگ Franziska Humberg پس از واشکافی ۲۰ مزرعه (پلانتاژ موز و آناناس) تحت عنوان "میوه های شیرین و حقیقت تلخ" تهیه کرده است را منتشر ساخت. این گزارش که در رابطه با تولید میوه های "تروپیک" نظیر موز و آناناس تهیه شده است به عواقب ناگوار محیط زیستی (اکولوژی) و اجتماعی در "کستاریکا" و "اکوادور" اشاره می کند. خانم Franziska Humberg معتقد است در این کشورها زارعین و کارگران و خانواده هایشان شدیداً در معرض مسمومیت سموم نباتی قرار دارند. شرکت هایی که برای سوپرمارکت های زنجیره ای در آلمان نظیر LIDL, ALDI, EDEKA, REWE محصولات تروپیکال در آمریکای مرکزی و جنوبی تولید می کنند از مواد Oxamyl که از طرف سازمان بهداشت جهانی بسیار سمی و سرطان زا شناخته شده و نیز Bromacial که از طرف پارلمان اروپا کاربست آن در اروپا ممنوع اعلام شده است به عنوان ضد افت استفاده می کنند. در اکوادور حتی از ضد افت Mancozeb و Glyphosat نیز استفاده می گردد. معمولاً این سم پاشی ها قبل

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۲۰ تیر ماه ۱۳۹۵ منتشر شد)

آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند

خروج بریتانیا، زمین لرزه ای در اتحادیه اروپا / عدالت در جمهوری سرمایه داری اسلامی یعنی شلاق سهم کارگران و شیرینی سهم مفتخوران / گزارش سیاسی به کنگره پنجم حزب کار ایران بخش دوم / تروریسم دولتی غرب مسبب اصلی ویرانی لیبی / روزشمار جنبش اجتماعی در فرانسه / تروردرفلوریدا محصول تروریسم دولتی

امپریالیسم غرب است ناتو خطر جدی برای صلح جهانی
 (مانور نظامی ناتو در قلمرو سوئد ، تحریکی علیه روسیه)
 یادی از رفیق بهمن نعمت الهی (ایرج) عضو کمیته مرکزی
 گشت و گذاری در فیسبوک . پاسخ به چند پرسش

توفان الکترونیکی شماره تیر ماه ۱۳۹۵ ژوئیه

۲۰۱۶

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbkar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

ثروت بر شانه های فقر

در رابطه با گزارشی که تحت عنوان "جهان گلوبال در ۲۰۱۶" (Global Wealth 2016) شرکت "بوستون کانزالتینگ گروپ Boston Consulting Group منتشر کرده بود روزنامه یونگه ولت (Junge Welt) در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۶ تحت عنوان "قهرمان ثروت" مقاله ای در صفحه نخست خود انتشار داد که در آن از جمله آمده است: "یک درصد از مردم جهان قریب به نیمی از ثروت موجود در جهان را در دستان خود متمرکز ساخته اند... این «کاست» سرمایه تقریباً ۸/۷۸ بیلیون دلار در اختیار دارد که برابر است با ۴۷٪ از کل ثروت موجود در جهان....".

از آنجا که حزب ما در گذشته در مقاله ای تحت عنوان "اقتصادی برای یک درصد" به مساله تناسب ثروت در نظام سرمایه داری و جنبه هائی از چرائی انباشت سرمایه اشاره کرده است، در نوشته حاضر کوشش ما بر این است که نشان دهیم چرا، به چه قیمت و چگونه انباشت ثروت بر شانه های فقر سوار است و پیوسته بر... ادامه در صفحه ۵

مستخرج از اسناد کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

درد کمیته سیاسی جنبش برای تجدید سازمان

حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵-۱۹۱۸)

به پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان)

رفقای گرامی،

به نام کمونیستهای یونان، کمیته سیاسی جنبش برای بازسازماندهی حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵-۱۹۱۸) گرمترین دروهای برادرانه خود را به کنگره شما ارسال کرده و همبستگی انقلابی مان را با مبارزه حزب کار ایران اعلام می داریم.

کنگره شما و نشستهای آن در میانه یک بحران عمیق سرمایه داری جهانی و در یک دوره بحرانی و بغرنج در قاره آسیا برگزار می شود. تنها مارکسیسم-لنینیسم است که می تواند این بحران جهانی سرمایه داری را بطور کامل تحلیل نموده و آنرا توضیح دهد. تئوری مارکسیستی که بحرانهای سرمایه داری را با بحران مازاد تولید مشخص می کند جوهر سرمایه داری و تضادهای آنرا توضیح می دهد.

امروز، دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و دفاع از آموزشهای مارکس، انگلس، لنین، و استالین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بیش از ۷۰ سال پس از پیروزی مبارزات شکوهمند توده های وسیع تحت رهبری رفیق استالین بر علیه فاشیسم نازی، ما دوباره مجبور هستیم که مجدداً با عروج فاشیسم در سراسر دنیا، و به اشکال گوناگون در کشورهای متفاوت، در بیفتیم.

ما آرزوی موفقیت برای کنگره شما داریم و از مبارزات شما برای سوسیالیسم حمایت می کنیم. ما از مبارزه شما برای حقوق کارگران دفاع می نمایم. ما برای آزادی فعالین کارگری در ایران به فراخوان شما می پیوندیم. ما در مبارزه با امپریالیسم و فاشیسم به شما ملحق می شویم.

زنده باد کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی!

زنده باد مارکسیسم لنینیسم و همبستگی پرولتاریائی بین المللی!

کمیته سیاسی جنبش برای بازسازماندهی حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵-۱۹۱۸) ماه مه ۲۰۱۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 196 July 2016

مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار اوضاع جهان-بخش نخست ایران.

ابزارهای نفوذی

استعماری امپریالیسم

بانک جهانی WB

بانک جهانی در خدمت سیاست استعماری، نئولیبرالی به اصطلاح جهانی سازی تولید سرمایه داری، به نفع سرمایه های مالی امپریالیسم و در رأس آن امریکا، در حال چپاول خلق های جهان است. سیاستهای اقتصادی این موسسه که به همه ممالک جهان تحمیل می شود، عبارتند از خصوصی سازی، حذف مقررات ملی و دولتی برای بازگذاشتن دست سرمایه گذاران خارجی در چپاول بی نظارت و تجارت آزاد و بی بند و بار و کاهش شدید هزینه های خدمات عمومی دولت. بانک جهانی با دادن وام هدفمند و تخریب در اقتصاد کشورهای، این کشورها را به صورت بدهکار در می آورد و هر بار که آنها با درخواست وامهای جدید برای پرداخت... ادامه در صفحه ۴

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسائید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسائیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany

آدرس Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany